# یک قرن نوع دوستی (۳)
# جمعیت هلال‌احمر در دوران تثبیت: پژوهشی تاریخی

**نواب شمس‌پور[۱]، اشرف سادات موسوی[۲]**

۱. نویسندهٔ مسئول: پژوهشگر، جمعیت هلال‌احمر، تهران، ایران.

**Email**: navabshamspour@gmail.com

۲. کارشناس ارشد، مؤسسه آموزش عالی علمی- کاربردی هلال ایران، تهران، ایران.

دریافت: ۹۳/۱۲/۱۶ پذیرش: ۹۴/۱/۲۱

## چکیده

**مقدمه**: در مقاله‌های پیشین با عنوان «کسب نشان هلال‌احمر توسط ایرانیان» و «جمعیت هلال‌احمر از تشکیل تا تثبیت» به بررسی دوران تاریخی تشکیل جمعیت هلال‌احمر (شیر و خورشید سابق) و حضور جمعیت هلال‌احمر در زلزلهٔ تربت، بررسی اولین نظامنامه، نخستین مجمع عمومی و اعلان تشکیل بین‌المللی جمعیت پرداخته شد.

در این مقاله به اولین دوران مدیریتی جمعیت هلال‌احمر در سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۲۰ می‌پردازیم. حضور جمعیت در زلزله‌ها، اساسنامه و فعالیت‌های جمعیت از مهم‌ترین محورهای مورد نگارش در این مقاله است.

**کلمات کلیدی**: جمعیت هلال‌احمر، شیر و خورشید سرخ، امیر اعلم.



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

**مقدمه**

از ۱۳۰۴ به بعد، به تدریج اقدام‌های مؤثری برای شکل دادن به جمعیت در ایران صورت گرفت، محل اولیه جمعیت در خیابان ناصریه چسبیده به محل دارالفنون در عمارت سابق وزارت فرهنگ و در دو یا سه اطاق محقر بود. تا سال ۱۳۰۴ افراد عضو در جمعیت در تهران به ۴۱۰ نفر می‌رسیدند.

**◈هیأت مدیرهٔ جمعیت در سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۲۰**

در آغاز تأسیس جمعیت، سلسلهٔ قاجاریه هنوز حاکم بود و احمد شاه سلطنت می‌کرد. در این دوره، جمعیت تا سال ۱۳۰۴ خورشیدی تحت حمایت احمدشاه قاجار بود و به ریاست افتخاری ولیعهد محمدحسن میرزا فعالیت می‌کرد که در مقالهٔ شمارهٔ قبل به تفضیل شرح داده شد. پس از خلع سلطنت خاندان قاجار، رضاخان به سلطنت رسید و هیأت مدیرهٔ اولیهٔ جمعیت با تغییرات مختصری دوباره به فعالیت ادامه داد.

روز یکشنبه سی‌ام مهر۱۳۰۶ در جلسه‌ای با حضور ۱۹ نفر از رجال و اعضای جمعیت و ریاست سنی حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی دومین هیأت مدیره جمعیت به این شرح انتخاب شد:

مستوفی‌الممالک (رئیس)؛ دکتر امیر اعلم (نایب رئیس)، امیر اکرم (چراغعلی خان) نایب رئیس دوم، ممتازالدوله (خزانه‌دار کل)، سرتیب کریم آقا خان بوذرجمهری (مفتش کل)، میرزاعلی‌خان اویسی (رئیس دارالانشا). این هیأت مدیره به مدت هشت سال تا اواخر ۱۳۱۲ به فعالیت خود ادامه داد و منشاء خدمات زیادی شد.

هیأت مدیره جمعیت سال ۱۳۰۶



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

**◈ هیأت مدیره جمعیت سال ۱۳۰۶**

سومین هیأت مدیره در تاریخ بیست و هشتم فروردین ۱۳۱۳ برگزار شد و اعضای هیأت مدیره به شرح زیر انتخاب شدند:

محمدعلی فروغی (رئیس الوزرا)، دکتر امیراعلم (نایب رئیس اول)، دکتر حکیم‌الدوله (نایب رئیس دوم)، حسین علاء (خزانه دار).

در این دوره، تسهیلات لازم برای فعالیت در جمعیت وجود نداشت و به همین دلیل این هیأت مدیره دوام نیاورد و اعضای آن به دلیل مسافرت، مأموریت و معذوریت استعفا دادند یا برکنار شدند.

**علت کناره‌گیری امیراعلم**

در آن زمان، رضا شاه دستور داد تا با حضور رؤسای مالیه وزارتخانه‌ها، هزینه‌های شیر و خورشید از بدو تأسیس تا سال ۱۳۱۳ (دوران مسئولیت امیراعلم) حسابرسی شود. مأموران اقدام لازم را به عمل آوردند؛ ولی فساد مالی وجود نداشت که این عدم انحراف هزینه‌ها به رضا شاه گزارش شد. پس از آن، وی دستور داد دکتر حسن خان پسیان، رئیس وزارت جنگ و کادر وزارت‌خانه، هزینه‌ها را به طور دقیق بررسی و نتیجه را اعلام کند. این دستور نیز اجرا شد که باز انحرافی به چشم نخورد و در نهایت معلوم شد که با وجود برخی گزارشات هیچ انحرافی وجود ندارد. ولی از آن پس، دکتر امیر اعلم به جمعیت نرفت و از عضویت در هیأت مدیره کنار رفت. یک دلیل دیگر کناره‌گیری وی این بود که رضا شاه گفته بود جمعیت شیر و خورشید زیر نظر وزارت داخله اداره شود که اعضای جمعیت این نظر را نپذیرفته بودند.

**◈چهارمین هیأت مدیره سال ۱۳۱۳**

در همان سال، به دلایل متعدد از جمله نبود تسهیلات لازم برای فعالیت جمعیت و کناره‌گیری امیر اعلم از نیابت ریاست آن مجدداً انتخابات برگزار شد. چهارمین هیأت مدیره به این شرح انتخاب شدند: فروغی (رئیس‌الوزرا)؛ دکتر لقمان ادهم (نایب رئیس)؛ محمود جم (وزیرداخله وقت)؛ دکتر رفیع امین (مدیر عامل)؛ سیدرضا فیروزآبادی (عضو)؛ صادق وثیقی (عضو).

در سال ۱۳۱۲ مجدداً اساسنامه جمعیت تجدید نظر شد که نکته قابل توجه در اساسنامه، تعریف رضاخان از جایگاه قدرت بود، به صورتی که قدرت از مجمع عمومی کم و به قدرت شورای عالی (هیأت مرکزی) افزوده شد. در واقع، طبق اساسنامه ارکان اصلی جمعیت عبارت بودند از مجمع عمومی، شورای عالی و هیأت مدیره مرکزی. اعضای مجمع عمومی اغلب از منصوبین دربار مثل اعضای افتخاری شورای عالی که به صرف داشتن شخصیت حقوقی دولتی عضو بودند. از این زمان به بعد عملاً راه دخالت دولت در جمعیت باز شده بود، به طوری که در سال‌های آتی گزارش‌ها علاوه بر مجمع عمومی باید به وزیر کشور نیز داده می‌شد. نشست شورای عالی هر سه ماه و بنا به درخواست وزیر کشور انجام می‌شد. در سال ۱۳۲۰ بنا به رأی‌گیری جلسهٔ تبیین هیأت رئیسه و شورای عالی جمعیت انجام شد، هیأت رئیسه شامل سهیلی (وزیر کشور) دکتر حسن لقمان ادهم، دکتر طاهری و اعضای شورای عالی شامل اسفندیاری، جم، فروغی، دکتر سنگ، دکتر غنی، دکتر رفیع و مسعودی بودند.



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

رؤسا و شخصیت‌هایی که به عنوان مسئولان جمعیت انتخاب می‌شدند بیشتر از چهره‌های مثبت و فعال بودند و از آنجایی که جمعیت نهادی خیریه و عام‌المنفعه بود، بعضی از رجال برای نشان دادن وجههٔ اجتماعی خود و بُعد تبلیغی قضیه، در ادارهٔ این مؤسسه سهیم می‌شدند. رضاشاه خودش در اولین دورهٔ تشکیل این نهاد ریاست افتخاری آن را عهده‌دار بود و بعدها دختر خود شمس را به عنوان رئیس این تشکیلات انتخاب کرد. مسلماً این انتخاب‌ها بیشتر از جنبهٔ تبلیغاتی آن بود و اینکه به ظاهر نشان داده شود که خاندان سلطنتی چقدر به فکر طبقات محروم جامعه هستند.

دکتر خطیبی در خاطرات خود نسبت به شخصیت‌های جمعیت در آن دوران می‌نویسد: «دکتر امیراعلم، از پزشکان مشهور زمان خود بود. او اولین کسی بود که در زمان سلطنت احمد شاه پیشنهاد تشکیل جمعیت شیر و خورشید سرخ را داد. تا این زمان دولت ایران هرچند به کنوانسیون‌های ژنو ملحق شده بود و علامت شیر و خورشید سرخ را به عنوان علامت این جمعیت به تصویب کنگرهٔ بین‌المللی صلیب سرخ رسانده بود، ولی تشکیلاتی نداشت. پس از وقوع زلزلهٔ بجنورد در سال ۱۳۰۲، کشورهای مختلف به کمک ایران شتافتند، ولی در ایران مؤسسه‌ای وجود نداشت که بتواند این کمک‌ها را تحویل دهد و توزیع کند. این بود که دکتر امیراعلم پافشاری کرد و جمعیت شیر و خورشید سرخ تشکیل شد و موجودیت آن به مراجع بین‌المللی اعلام گردید. بقیه اعضا عبارت بودند از دکتر امیراعلم، یاسایی و یکی دو نفر دیگر که نام آنان در خاطر من نیست. این هیأت کار رسیدگی به آسیب‌دیدگان زلزلهٔ بجنورد را انجام داد. در همین دوره، سیل در کشور شوروی موجب خسارات و ویرانی‌هایی شده بود. اولین اعلامیه‌ای که این جمعیت برای جمع‌آوری اعانه برای آسیب‌دیدگان این سیل صادر کرد به امضای سردار سپه بود که در بایگانی جمعیت موجود است. امیر اعلم جز این کار سمت دیگری نداشت و تا زمانی‌که حیات داشت به پیشرفت کار جمعیت خدمت کرد و حتی در اواخر، مورد غضب رضا شاه نیز قرارگرفت.

دکتر حسن ادهم نیز از پزشکان معروف آن زمان بود. آنها سه برادر بودند که بزرگ‌ترین آنان دکتر لقمان‌الدوله ادهم، سپس دکتر عباس ادهم (اعلم الملک) و پس از وی دکتر حسن ادهم بود که لقب حکیم‌الدوله را داشت. هرسه برادر، پزشک بودند و جز به کار پزشکی و در حاشیهٔ آن خدمات افتخاری در جمعیت شیر و خورشید سرخ، به کار دیگری نمی‌پرداختند.

صادق وثیقی در زمان رضا شاه، رئیس کل تجارت بود. در آن زمان سه ادارهٔ کل داشتیم، یکی ادارهٔ کل تجارت که رئیس آن همین وثیقی بود. یکی ادارهٔ فلاحت و یکی ادارهٔ کل صناعت بود. رؤسای این هرسه اداره، اگرچه عنوان وزیر نداشتند ولی در کابینهٔ وزیران شرکت می‌کردند. صادق وثیقی چون به لحاظ مالی، درستکار بود سمت خزانه‌داری شیر و خورشید سرخ را تا سال ۱۳۴۹ که درگذشت، به عهده داشت».



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

**اقدامات انجام شده در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰**

**۱- مجله**

یکی از قدیمی‌ترین فعالیت‌های هلال‌احمر، چاپ نشریه‌ای است که در ابتدا با نام شیر و خورشید سرخ ایران انتشار می‌یافت. نخستین شمارهٔ شیر و خورشید ایران در خرداد ۱۳۰۴، با تناوب زمانی ماهانه و به قیمت ۲ قران توسط مطبعهٔ مجلس به چاپ رسید. این مجله از انتشارات جمعیت شیر و خورشید سرخ و مدیر مسئول آن با علی‌محمدخان اویسی بود. شمارهٔ اول آن در سال ۱۳۰۴ در ۴۴ صفحه به قطع رقعی و با حروف سربی در چاپخانه مجلس به چاپ رسید.

در صفحهٔ چهارم مجله و در تعریف شیر و خورشید سرخ به قلم دکتر امیر اعلم چنین می‌خوانیم: «شیر و خورشید سرخ چیست؟ شیر و خورشید سرخ علامتی است که دولت ایران در انجمن بین‌المللی ژنو در مقابل صلیب‌احمر برای تأسیسات و تشکیلات خیریه و صحیحهٔ ملت خود انتخاب و رسماً شناخته شده است. برای مزید استحضار خاطر هموطنان محترم، مختصر تاریخچهٔ صلیب‌احمر از تشکیل هیأت‌های صلیب احمر و هلال‌احمر به عرض می‌رسانم تا معلوم شود که منظور از تشکیل شیر و خورشید سرخ چیست و فوایدی که این چنین جمعیتی برای عموم، خاصه فقرا، ضعفا، مرضی، ایتام و فلک‌زدگان مملکت ما دارد چگونه و از چه قرار خواهد بود. بر احدی پوشیده نیست که قدیماً و جدیداً در هر نقطهٔ عالم بین دو دولت یا دو ملت یا بیشتر، جنگ و جدال رخ داده و هزاران مردم بی‌گناه دفعتاً دچار انواع و اقسام بلایا و بدبختی‌ها گردید، علاوه بر جوانانی که در میدان مقاتله و مبارزه، طعمهٔ گلوله‌های مرگبار شده و فوراً بدرود زندگانی خود را گفته، عدهٔ کثیری هم در نتیجه عدم معالجهٔ جراحات مهلکه و یا گرفتاری در چنگال بی‌رحمانهٔ مرضات سخت مسریه با هزاران حسرت و آرزو جان شیرین باخته‌اند. در مدت جریان محاربات، تلفاتی که از سوی معالجان مجروحان یا انتشار امراض مهلکه به ممالک متخاصم وارد می‌آید به طور قطع به درجات مهیب‌تر و آنی‌تر از تلفات میادین جنگ است. پریشانی مللی که در جنگ اخیر شرکت کردند حتی خسارات و صدماتی که از این جنگ به ملل بی‌طرف وارد می‌آید فزون از اندازه و حساب است. وضعیات سکنهٔ ایالات شمالی فرانسه، بدبختی و فلاکت میلیون‌ها قحطی‌زدهٔ روسیه و صدمات هول انگیزی که در نتیجه قشون‌کشی اجانب، از امراض مهلکه گوناگون به مملکت ما وارد آمده بهترین دلیل و قوی‌ترین برهان است. پس اگر قبل از وقت، وسایل جلوگیری از امراض مسریه و معالجه زخم‌داران و بیماران، لوازم کمک و مساعدت به فقرا و ضعفاء فراهم آید بدون شک و تردید فجایع جنگ‌ها و وخامت این کشمکش‌های خونین که عالم بشریت را تهدید کرده و نوع انسان را به طرف هلاکت سوق می‌دهد، البته محدود شده و دایره این بدبختی کوچک‌تر خواهد شد. لازم است یک نکته را به عرض برسانم که مقصود از جنگ غلبه بر خصم و خارج کردن از میدان محاربه است نه کشتن. این قضیه از ابتدا اگر چه به نظر غریب آمده و حتی شاید تصدیق نشود، ولی در واقع، مسلم و محرز است؛ چنانچه اگر پس از اعلان جنگ دو



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

دولت یکی از دول متخاصم تسلیم و مطیع خصم خود شده تحمیلات و تقاضاهای او را بپذیرد به اصطلاح (از میدان در رود) جنگ خاتمه پیدا کرد، رفع تخاصم خواهد گردید. حالات جگرخراش میدان‌های جنگ، پریشانی و بدبختی عدهٔ کثیری از افراد که در نتیجهٔ زحمات و مشقات قشون‌کشی‌ها تاب مقاومت نیاورده به امراض مختلفه مبتلا می‌شوند، همچنین وضعیات فلاکت و هلاکت قهری ساکنین نقاطی که میدان جنگ و محاربه واقع می‌گردد و بالاخره بدبختی و پریشانی روزگار افراد غیرمحارب ملل جنگجو و مبارز، همیشه قلوب اشخاص حساس، نوع پرور و انسان‌دوست عالم را متألم و متأثر ساخته و می سازد، لذا همه وقت اشخاص حساس و نوع‌دوست به میدان‌های سهمناک محاربه شتافته، و بدون فرق میان دوست و دشمن برای معالجه مرضی و التیام به جراحت می‌پردازند».

**۲- فعالیت‌های بهداشتی و درمانی**

با توجه به وظایف جمعیت، از بدو تأسیس در راستای مبارزه با امراض، در سال ۱۳۰۵ اولین داروخانهٔ سیّار با با یک دستگاه خودرو راه‌اندازی شد. همچنین جمعیت وقت، با راه‌اندازی دو مطب رایگان در خیابان ناصریه در مرکز و جنوب شهر نزدیک انبار گندم، ضمن ویزیت، به مراجعان داروی مجانی نیز تحویل می‌داد.در سال ۱۳۱۵ تأسیس داروخانه‌های ثابت و سیّار مد نظر جمعیت قرار گرفت که در همین خصوص، مؤسسه‌ای به نام خانهٔ نمونهٔ کودک در تهران تأسیس کرد که در واقع از بهترین مراکز در رشتهٔ تربیت کودک در کشور بوده است. یکی از مهم‌ترین این مراکز پرورشگاه شیر و خورشید مشهد بود.

[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

**پرورشگاه شیر و خورشید مشهد ۱۳۰۷**

## مهم‌ترین اقدامات امدادی

### زلزلهٔ شیروان

۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ (اول مه ۱۹۲۹) زمین‌لرزه‌ای با بزرگای حدود ۷/۳، شهر شیروان را تخریب کرد. در کتاب نادر صاحبقران آمده است که از اواسط فروردین ۱۳۰۸ زلزله‌های پی در پی شیروان را می‌لرزاند، مردم شیروان وحشت‌زده به کوه‌ها پناه می‌بردند که سرانجام در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۸، زلزله، شیروان قدیم را با خاک یکسان می‌کند و چند هفته پس از زلزله مردم به شیروان فعلی که در آن زمان باغ‌های شیروانی‌ها بود کوچ می‌کنند و قسمتی از باغ‌ها را تبدیل به هؤیلو (حیاط) کردند و شهر جدید شیروان را ایجاد می‌کردند. به دنبال این زمین‌لرزه، تعداد زیادی پس‌لرزه به وقوع پیوست که بسیاری از آنها تلفات و ویرانی‌های زیادی به بار آورد. در ۳ مه گرماب و کورکولاب به کلی ویران شدند و در ۱۳ مه آتابگ و آبادی‌های دیگری در امتداد کیرگان علیا ویران شدند. در ۱۳ ژوئیه، قلعهٔ فاروج، سینکلی و ده روستای دیگر که پیشتر آسیب‌دیده بودند به طور کامل ویران شدند و بیست و یک تن کشته شدند. به قوچان و شیروان آسیب‌های افزون‌تری رسید و فقط چند خانهٔ چوبی قابل سکونت باقی ماند. تا زمستان همان سال، پس‌لرزه ادامه داشت.

حدوث زلزله‌های پیاپی در حدود شیروان، بجنورد و قوچان وضعیت فوق‌العاده اسفناک و رقت‌آوری را برای اهالی و ساکنان آن حدود پیش آورد که قلب هر شنونده از احوال اهالی بی‌خانمان و گرسنه آن حدود را متألم و متأثر می‌کرد. تقریباً ۳۳۰۰ نفر از ساکنان شهر درگز در شمال خراسان و روستاهای اطراف آن بر اثر زلزلهٔ ۷/۴ ریشتری در اردیبهشت ۱۳۰۸ جان باختند.

در آن زمان، مجلس مصوب کرد که "«وزارت مالیه مجاز است از محل پنجاه‌هزار تومان اعتبار مخارج کمک به اعاشهٔ مهاجران بی‌بضاعت که ضمن بودجه



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

۱۳۰۸ مملکتی منظور است مبلغ ۲۵ هزار تومان برای کمک و اعانت به ساکنان حدود شیروان و قوچان و بجنورد که از اثر زلزله مصیبت دیده‌اند مصرف نماید. همچنین مؤسسه شیر و خورشید سرخ برای جمع‌آوری اعانه مشغول شوند.

در اثر زلزله، حدود ۶۲۰ نفر جان خود را در گیفان از دست دادند که هشتاد نفر در حال نماز خواندن در داخل مسجد بودند. در آن زمان کمتر روستایی بود که نماز جماعت در آن برگزار می‌شد روی این اصل، گیفان را (دارالمؤمنین خواندند)، از مردم گیفان فقط ۲۲۰ نفر زنده ماندند. به گفتهٔ بزرگان، حدود ۲۵۰۰ نفر هم در روستاهای اطراف از بین رفتند.

**زلزلهٔ سلماس**

زلزلهٔ بزرگ و مخرب سال ۱۳۰۹ سلماس جزو یکی از مخرب‌ترین زلزله‌های منطقهٔ آذربایجان محسوب می‌گردد. این زلزله پانزده ساعت قبل از پیش‌لرزهٔ سلماس در نیمه‌شب سه‌شنبه یا در حقیقت بامداد روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت حادث شد. زلزلهٔ اصلی موجب تخریب کامل دیلمقان و ویرانی حدود ۶۰ روستا در دشت سلماس و مناطق حاشیهٔ آن شد، ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر در اثر این زلزله فوت شدند. دامنهٔ آسیب‌ها از دشت سلماس به دهستان قطور و مسیر علیای زاب در ترکیه کشیده شد. در این زلزله اکثر آثار باستانی سلماس از جمله حصار ۴ متری شهر دیلمقان، مساجد و بقاع قدیمی و عبادتگاه‌های مسیحیان، منارهٔ قرون وسطایی میرخاتون در کهنه شهر و پل‌های قدیمی از بین رفت. این زلزله که بزرگی آن را بربریان ۷/۴ ریشتر برآورد کرده است یکی از مخرب‌ترین زلزله‌های آذربایجان و شاید خاورمیانه باشد، به‌طوری که این سال در تاریخ زلزله‌شناسی به‌نام زلزلهٔ ۱۹۳۰ سلماس ثبت شده است.

پس از زلزلهٔ وحشتناک، تقریباً سیصد نفری که در زیر آوارهای شهر مانده بودند با مجاهدت سربازان پادگان سلماس از زیر خاک بیرون آورده شدند و در مریضخانه‌های موقت ارتش که به وسیله چادرهایی تهیه شده بود معالجه شدند. نان و غذا به وسیله اتومبیل‌های امداد از نقاط دیگر آذربایجان به سلماس حمل و وسایل آسودگی اهالی و مجروحان کاملاً فراهم شد. منصور، والی وقت آذربایجان و سرتیپ حسن خان مقدم (ظفرالدوله) فرماندهٔ لشکر شمال‌غرب و چند نفر از رؤسا برای بازدید نقاط زلزله‌زده از تبریز وارد سلماس شدند و وجوه زیادی از طرف دولت و شیر و خورشید سرخ (هلال‌احمر فعلی) بین زلزله‌زدگان تقسیم گردید. در ارومیه نیز پس از دریافت خبر زلزله و تخریب کامل سلماس فوراً هیأت مؤسسه شیر و خورشید سرخ (سابق) ارومیه تشکیل و موضوع کمک و مساعدت به زلزله‌زدگان سلماس مطرح شد، بلافاصله آقای حاج امیرنظمی افشار از اعضای پیشقدم در امور خیریه و عضو جمعیت مزبور با آقای دکتر علی احمد خان، مقادیری دارو و سایر مایحتاج لازم را برداشتند برای معاینه و معالجه مجروحان به سلماس عزیمت کردند. دکتر امیر اعلم رئیس جمعیت شیر و خورشید سرخ (سابق) مرکز و پزشک مخصوص دربار به ارومیه رفتند و از آنجا وارد سلماس شدند و همراه با دو پزشک به معالجه مردم پرداختند. دکتر



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

حسینقلی صفی‌زاده فارغ‌التحصیل پزشکی از روسیه از اهالی قره باغ آذربایجان بود که در اثر حمله ارامنه (۱۲۹۷ ش) به قریهٔ عربلر ماکو آمده بود و در سال ۱۳۰۲ شمسی با درجهٔ سرگردی در خدمت ارتش بود. وی در این زلزله به معالجهٔ زلزله‌زدگان پرداخت. نجات یافتگان بعدها شرح دادند که دکتر بی‌آنکه وقت استراحت داشته باشد خوراک خود را در دستمالی می‌پیچید و روزها پی در پی مشغول معالجهٔ زخمی‌ها می‌شد. روزی پس از سه روز بی‌خوابی در اتاق پشت میزش به خواب می‌رود و در همان حال خواب، زلزلهٔ دیگری رخ می‌دهد که دیوارهای اتاق فرو می‌ریزد و دکتر زیر سقف می‌ماند که او را پس از هشت ساعت زنده، ولی مجروح از زیر خاک در می‌آورند. با پخش خبر زمین‌لرزه در روزنامه‌ها و با تلگراف به صلیب سرخ فرانسه و دیگر کشورها، سیلی از کمک‌های نقدی سرازیر شیر و خورشید سرخ ایران شد. روزنامهٔ اطلاعات چند بار سیاههٔ این کمک‌ها را با نام افراد و نهادها به زیر چاپ برد و هر بار جمع مبلغ سیاههٔ به مبلغ پیشین افزوده می‌شد. پس از استقرار آرامش در سلماس، شهر جدیدی در یک کیلومتری دیلمقان در محل فعلی شهر سلماس با نقشهٔ صحیح شهرسازی و مهندسی و به صورت شطرنجی توسط مهندس اسدالله خاور احداث و به هر یک از اهالی شهر ویران شدهٔ سلماس، یک قطعه زمین مناسب برای خانه‌سازی و اسکان داده شد. امروز، از ویرانه‌های سلماس جز پایهٔ دیوارهای مسجد «آقامچیدی» و سنگ‌های منشوری شکل ستون‌های مسجد چیزی باقی نمانده است که جای دارد محل این آثار توسط میراث فرهنگی حصارکشی شود و به عنوان یادگاری از زلزلهٔ مشهور و ویرانگر ۱۹۳۰ سلماس برای آیندگان برای عبرت و برنامه‌ریزی اصولی و نیز تلاش برای بسط دانش زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله در منطقه استفاده شود.

افتتاح شعبهٔ خوی



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

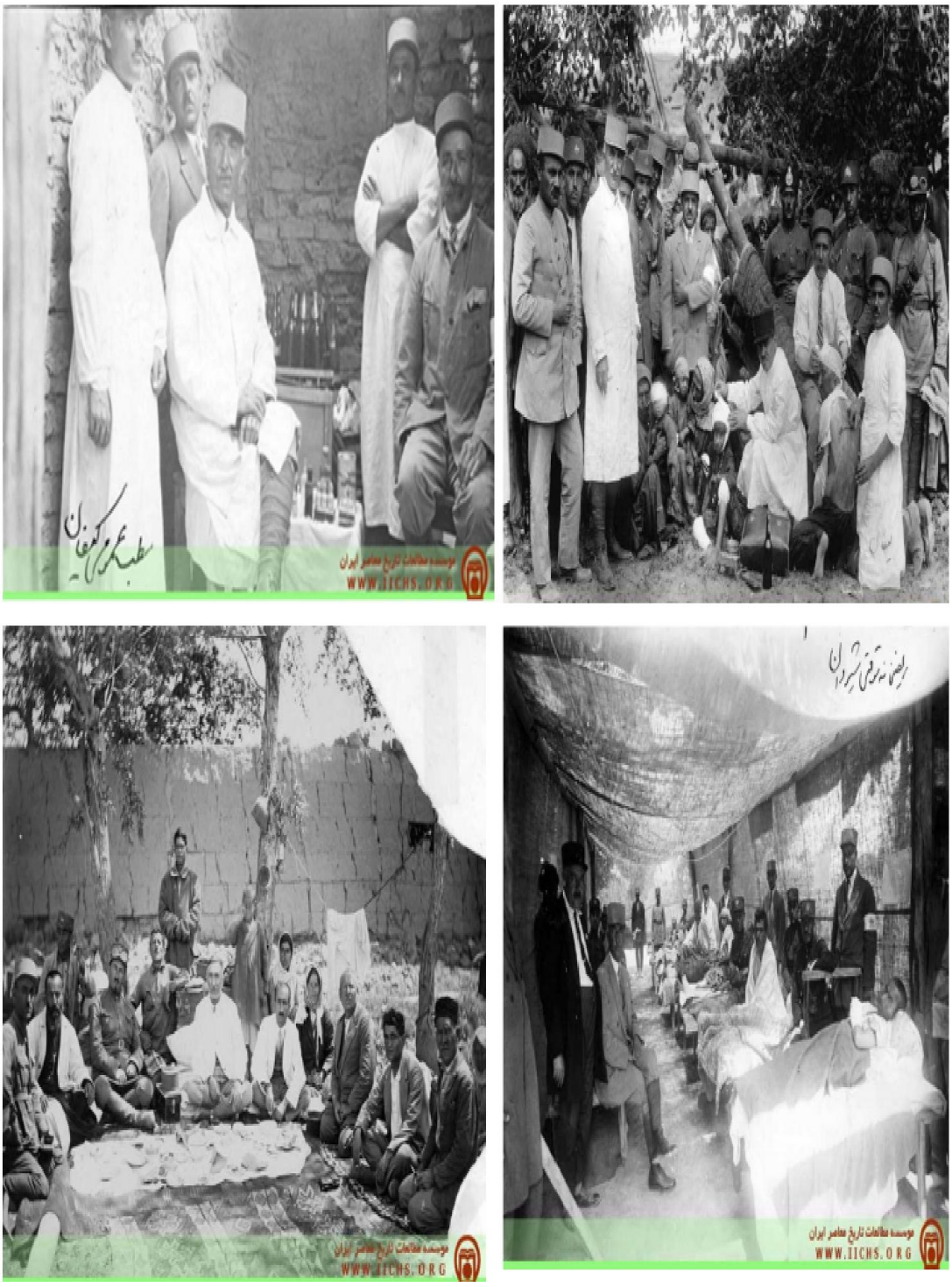


مریضخانهٔ موقتی که توسط مرحوم دکتر امیراعلم در شیروان ایجاد شد.



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

## تشکیل سازمان‌های جمعیت

**- جمعیت نسوان/اناثیه**

در سال ۱۳۰۷ نخستین اقدامات برای تشکیل جمعیت نسوان شیر و خورشید سرخ ایران صورت گرفت. قمرالملوک وزیری در سال ۱۳۰۸ به نفع شیر خورشید سرخ کنسرت داد. عواید آن به بچه‌های یتیم اختصاص داده شد. مستوره افشار در سال ۱۳۰۹ جمعیتی به نام اناثیه شیر و خورشید سرخ، تحت سرپرستی ملکهٔ پهلوی تأسیس کرد.

**- سازمان جوانان**

یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین سازمان‌های وابسته، «جمعیت شیر و خورشید سرخ جوانان» بود. این جمعیت دارای آیین‌نامه مفصلی است که طرح آن در مرداد ۱۳۱۸ به دستور نخست وزیر وقت، محمود جم و توسط ابراهیم الفت تنظیم شده است. در مادهٔ اول آیین‌نامه جوانان، با استناد به اساسنامهٔ تصویبی جمعیت شیر و خورشید، این سازمان را جزء جمعیت ملّی شیر و خورشید دانسته است و از نظر سیاسی و مذهبی در مادهٔ سوم آیین‌نامهٔ مذکور تأکید گردید که جمعیت شیر و خورشید هیچ‌گونه جنبهٔ سیاسی، نژادی و مذهبی ندارد و هدف و مقصد نهایی از تشکیل آن، تعمیم نیکوکاری، بهداشت عمومی، حفاظت از بیماری‌ها و تخفیف آلام بشری است.

جمعیت شیر و خورشید جوانان، تأکید بیشتری روی جزئیات وظایف جمعیت اصلی داشت. مهم‌تر اینکه همهٔ منظور و قصد خود را مصروف تعالیم اخلاقی برای جوانان می‌کرد که شماری از این تعالیم از این قرار بود:

- تعلیم اصول اخلاقی بین جوانان به وسیلهٔ مجلات، رسالات، تصاویر و حکایات؛
- سخنرانی و نمایش‌های کوچک در آموزشگاه‌ها و سینما؛
- تشویق به احترام با پیران؛
- ترغیب پس‌انداز؛
- تعلیم عملیات نجات غریق، آسیب‌دیده، برق‌گرفته و تعلیم تنفس مصنوعی؛
- تشریک مساعی با ادارهٔ پیشاهنگی در قسمت امداد؛
- سرکشی و کمک به کودکان و پیران تحت معالجه در بیمارستان‌ها؛
- کمک به خانواده‌های کثیرالاولاد؛
- تهیهٔ تختخواب و قنداق برای کودکان خانواده‌های بی‌بضاعت؛
- دعوت مکرر به شام و نهار از طرف جوانان بابضاعت از هم شاگردی‌های بی‌بضاعت.

در مادهٔ هشتم آیین‌نامهٔ جوانان، شرح مفصلی از خدمات و وظایف این سازمان در مورد حمایت از کودکان و مادران آمده است، از این قرار: کمک به یتیمان و زنان حامله، کمک به مادران و خانواده‌های بی‌بضاعت دارای بیمار با اعزام یک داوطلب به منزل ایشان برای ترتیب دادن غذا و پرستاری از اطفال، جمع‌آوری کودکان ولگرد و اطفالی که دستخوش بدرفتاری کسان خود هستند.

در مادهٔ مذکور آیین‌نامهٔ جوانان به جزئی‌ترین مسائل بهداشتی نیز اشاره بسیار شده است. حتی تهیه و تقسیم عینک و دست و پای مصنوعی به طور



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

مجانی بین کودکان محتاج و تقسیم کفش برای دانش‌آموزان را نیز از نظر دور نداشته است. در قسمت چهارم از شرح وظایف این جمعیت به انجام خدمات عمومی اشاره شده است که برخی از مواد آن عبارتند از: کمک معنوی و درسی به دانش‌آموزان کم استعداد، کمک به بیماران و بینوایان و ناتوانان، تعلیم نحوهٔ راه رفتن در خیابان بین کودکان برای مواجه نشدن با خطرات عبور و مرور، مبارزه با تریاک و الکل و سایر اعتیادات مضر، مبارزه با آفات نباتی، حمایت حیوانات و پرندگان، تهیهٔ پرستاران داوطلب و مجانی برای پرستاری از بیماران بی‌بضاعت.

جمعیت شیر و خورشید جوانان از لحاظ امور مالی و هزینه‌ها بیشتر خودکفا بوده است. در فصل پنجم مادهٔ بیست و یکم آیین‌نامه جوانان شرح درآمدهای جمعیت ذکر گردیده است:

- اعتبار از محل بودجهٔ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران؛
- اعتبار از محل درآمدهای اوقاف؛
- حقوق کارمندی که توسط کارمندان عامل جمعیت تأدیه می‌شود و حداقل آن سالی ۳۰ ریال است؛
- اعانات از طرف ادارات دولتی و شهرداری‌ها؛
- اعانات از طرف بنگاه‌ها و شرکت‌ها و اشخاص
- درآمدهای حاصله از اموال منقول و غیرمنقول جمعیت؛
- وجوه حاصل از نمایش‌ها، پارتی‌ها و غیره که به نام جمعیت داده می‌شود؛
- درآمدهای حاصل از هفته‌ها یا روزهای نیکوکاری،
- درآمد حاصل از تمبرهای مخصوص و مونوپول‌ها و غیره که از طرف دولت اعطا می‌شود.

در مجموع دربارهٔ سازمان جوانان باید گفت از آنجا که بیشترین منبع درآمد آن از جانب خیرات و اعانات نوع‌دوستانهٔ افراد خیّر بود، این سازمان در چارچوب آیین‌نامهٔ تصویبی خود، تا حد امکان پا به پای جمعیت فعالیت‌های ارزنده و مفیدی به جامعهٔ ایرانی اعطا کرد.

**تأسیس شعب**

بنا به مادهٔ سی و دوم اساسنامهٔ جمعیت، هیأت مرکزی کل، ۱۵ نفر بودند که در تهران، مجمع عمومی از میان خود ۲۵ نفر را با رأی مخفی انتخاب می‌کرد که از این میان، ۱۵ نفر کارمند اصلی و ۱۰ نفر عضو علی‌البدل بود. در مجمع عمومی که در مهر هر سال انجام می‌گرفت ۵ نفر از کارمندان هیأت، با قرعه خارج و ۵ نفر به جای آنها انتخاب می‌شدند که کارمندان خارج شده امکان انتخاب مجدد داشتند. هیأت مرکزی کل، همه ساله از میان خود یک رئیس، دو نایب رئیس، یک دبیر کل و یک خزانه‌دار کل انتخاب می‌کردند که اینها در مجموع هیأت مدیره جمعیت را تشکیل می‌دادند. در تمام شهرستان‌های بزرگ و کوچک ایران تقریباً شعبات جمعیت دایر شد و همه جا امور جاری تحت نظر بود و به اهتمام هیأت مدیره و مسئولیت مدیرعامل انجام می‌پذیرفت.



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

بنا بر مستندات، تأسیس جمعیت مشهد، تشکیل اولین هیأت مرکزی و نیز هیأت مدیرهٔ آن را در سال ۱۳۰۰ و حتی قبل از تشکیل مجمع عمومی در تهران و امضای اساسنامه ذکر کرده‌اند. با این حال، اولین شهری که از تأسیس جمعیت شیر و خورشید استقبال کرد شهر تبریز بود. البته این اقدام به دلیل وجود جمعیت‌های خیریه‌ای بود که از زمان مشروطیت در تبریز تشکیل شده بود. لذا زمینه‌های انجام این امور از قبل در تبریز وجود داشت. منابع درآمد این جمعیت در اوایل تأسیس، از فروش پوست و رودهٔ گوسفندانی بود که مردم در اعیاد مذهبی قربانی می‌کردند. بعدها منابع درآمد دیگر به دست آمد و توسعه پیدا کرد و اقدامات مهمی صورت گرفت از جمله: ۱) تأسیس مریضخانه‌ای در کوی ششگلان؛ ۲) تأسیس مریضخانه‌ای در کوی مارالان؛ ۳) کمک به آسیب‌دیدگان سیل ویرانگر ۱۷ تیر ۱۳۰۸ در تبریز؛ ۴) کمک به زلزله‌زدگان سلماس در ۱۳۰۹؛ ۵) تأسیس مریضخانهٔ کودکان در تبریز؛ ۶) تأسیس درمانگاه شبانه؛ ۷) تأسیس زایشگاه سیّار خانوادگی؛ ۸) تأسیس اندرزگاه؛ ۹) تأسیس بانک خون؛۱۰) احداث ساختمان بیمارستان مدرن و مجهز دویست تختخوابی تبریز.

دکتر امیر اعلم که برای احوال‌پرسی و معالجهٔ آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم مشرف شده بود با حضور چند روزه در آن شهر شعبهٔ جمعیت قم را نیز در سال ۱۳۰۵ افتتاح کرد.

تأسیس جمعیت‌های شهرستان‌های مختلف در این سال‌ها بود: ارومیه، ساری و رضاییه ۱۳۰۷؛ آستارا و کرمانشاه ۱۳۰۸؛ بوشهر، سلدوز، زنجان، مراغه ۱۳۰۹؛ شیراز۱۳۱۰ ؛ کردستان و اصفهان ۱۳۱۱؛ خوی۱۳۱۲؛ کرمان ۱۳۱۴؛ اردبیل و رشت ۱۳۱۶؛ اراک، اهواز، خرمشهر، کاشان، همدان و یزد ۱۳۱۹.

**بودجهٔ جمعیت در این دوران**

بودجهٔ بیست ماه اول جمعیت از مرداد ۱۳۰۲ تا اسفند ۱۳۰۳ به ترتیب از محل اعانات بود و حقوق ماهانهٔ اعضا ۱۳۵۸ تومان و ۶ قران و دو عباسی بود که مخارج جمعیت نیز در همین حد بود. این مخارج عبارت بود از: خرج چاپ اولین شمارهٔ مجله و کاغذ آن؛ خرج کاغذ و لوازم‌التحریر و وسایل دفتری؛ خرج پست و تلگراف و خرید دارو برای تربت؛ خرج آبدارخانه، اسباب‌کشی و حق‌الزحمهٔ فرّاش‌ها و مخارج ارسال هدایا به جنوب؛ خرج تابلو و بیرق شیر و خورشید؛ خرج چاپ و نقاشی اوراق و سهام تأسیس دارالعلوم رضوی؛ حقوق یک منشی؛ یک پیشخدمت، یک سرایدار و یک فرّاش که تنها اعضای حقوق بگیر جمعیت در سال اول بودند.

حق عضویتی که جمعیت باید به کمیتهٔ صلیب‌سرخ می‌پرداخت تا سال ۱۳۰۶ به تأخیر افتاده بود که در آن سال در جلسهٔ ۱۲ آبان، هیأت مدیره تصمیم گرفت تا سالی ۱۵۰۰ فرانک سوئیس به عنوان حق عضویت پرداخت شود.

**بودجه و دارایی‌ها**

دارایی‌ها و درآمد جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران بیشتر از کمک‌های مردمی و عایداتی بود که از تأسیسات و مستقلات جمعیت تأمین می‌شد. در مادهٔ پنجاهم اساسنامهٔ جمعیت دارایی‌های جمعیت به قرار زیر عنوان شده است:

– حقوق کارمندانی که جمعیت می‌پردازد؛



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

– اعانات و هدیه‌های مختلف اعم از نقدی و جنسی؛

– موقوفات جمعیت اعم از منقول و غیرمنقول و درآمد آنها؛

– وجوه حاصل از نمایش‌ها، کنفرانس‌ها، گاردن پارتی‌ها، بخت‌آزمایی‌ها، فروش‌های خیریه، تمبرهای اختصاصی و غیره که به نام جمعیت به عمل می‌آید؛

– اراضی، ابنیه، عمارات، آلات، ادوات، اثاثیه و غیره متعلق به جمعیت و درآمد آنها؛

– عین و درآمد املاک و مستقلات و مونوپل‌ها و تخصیصات اعشار اضافی بعضی از مالیات‌ها که ممکن است از طرف دولت به جمعیت واگذار یا به نام جمعیت جمع‌آوری شود؛

– سهامی که جمعیت ممکن است در بنگاه‌های بازرگانی و غیره داشته باشد و درآمد آنها.

درآمد جمعیت شیر و خورشید سرخ از مرداد ۱۳۰۲ یعنی آغاز تأسیس تا اسفند ۱۳۰۳، حدود ۱۳۵۸ تومان و شش قران و دو عباسی بود. بنا به یک گزارش موثق، درآمد جمعیت از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ به ۱۳۴۲۶۹۱ ریال رسید که هزینه‌های جمعیت رقم ۱۰۷۹۰۰۵ ریال را نشان می‌دهد. در نهایت موجودی این جمعیت در اوایل سال ۱۳۲۰، مبلغ ۲۶۳۶۸۶ ریال بوده است. البته جمعیت از نظر مالی در مقاطع مختلف با مشکلات مالی بسیاری دست به گریبان بود.

در سال ۱۳۱۲، اعضای هیأت مرکزی کل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران طی نامه‌ای که به دفتر مخصوص دربار ارسال داشتند از بی‌کفایتی عواید جمعیت گلایه و درخواست کمک‌های مالی از هیأت دولت کردند. در این نامه تأکید شد که در سایر ممالک، خزانهٔ صلیب‌احمرها و هلال‌احمرها دارای ذخیره هنگفتی است که روز به روز بر توسعهٔ آن افزوده می‌شود. از طرف دولت‌ها نیز نسبت به این مؤسسات حمایت و کمک‌های مادی از قبیل بعضی انحصارها و برقراری و ترویج تمبر مخصوص صلیب‌احمر و هلال‌احمر عنایت می‌شود. شیر و خورشید سرخ ایران در نامه‌ای این نکته را عنوان کرد که با اینکه پیشنهادهای لازم را مکرراً به عرض هیأت محترم دولت رسانیده است، متأسفانه از تمام این گونه مزایا محروم است و چون خزانهٔ این مؤسسه تهی می‌باشد بعضی از مؤسسات از قبیل مریضخانه‌های قم و حضرت عبدالعظیم و شهر شاهپور و مؤسسه نوزادگان تهران ناتمام مانده است و توانایی اداره آن هم نیست و اگر احوال بدین منوال بماند این مؤسسه که رسماً در جامعهٔ ملل دنیا معرفی و مورد توجه است و سمت معاونت صحیحهٔ قشون دولت شاهنشاهی را دارد و باید دارای ذخایر کافی باشد تا در مواقع ضرورت همانند مؤسسات صلیب‌احمرهای دنیا خدمات مهمی را انجام دهد، بیم آن می‌رود که قادر به بقا و ادامهٔ وظایف خود نباشد و منحل گردد و زحماتی هم که تا به حال کشیده شده به هدر رود.

در پاسخ به این نامه، دفتر مخصوص دربار به رئیس‌الوزرا دستور داد تا پیشنهاداتی را که از طرف شیر و خورشید سرخ می‌شود مورد مطالعه و توجه قرار دهد و مساعدت‌های مقتضی را در اجرای آن به عمل آورد. ظاهراً متعاقب این مکاتبات رئیس‌الوزرا نیز قرار را بر این نهاد که پیشنهادات



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

هیأت مرکزی کل جمعیت را مورد توجه قرار دهد و تصمیماتی مثبت در این زمینه اتخاذ کند. شاید درنتیجهٔ این تلاش‌ها بود که بودجهٔ شیر و خورشید در ابتدای اولین سال تأسیس از ۱۳۵۸ تومان و شش قران و دو عباسی در سال ۱۳۲۰، به ۲۶۳۶۸۶ ریال رسید. جمعیت شیر و خورشید در سایر استان‌ها و شهرستان‌ها نیز کمابیش فعال بود.

**خدمات ارائه شده در این دوران**

در این مبحث به مختصری از گزارش جمعیت در اردیبهشت ۱۳۲۰ بسنده می‌شود. این گزارش در جراید مختلف به چاپ رسید و همهٔ اقدامات و فعالیت‌های جمعیت را در داخل و خارج از کشور شرح داد. هر چند این گزارش‌ها تاحدودی فرمایشی بودند اما آمارهای ارائه شده نسبتاً قابل ارزیابی است. بدین قرار:

– ایجاد تیمارگاه عمومی مرکزی برای بیماران بی‌بضاعت و خرید داروی مجانی برای آنان؛

– کمک به مهاجران ایرانی که از شوروی مهاجرت کردند و جمعیت برای آنان مبلغ ۴۲۸۰۱۰ ریال معادل ۳۵ دینار اعانات جمع‌آوری کرد؛

– کمک به سیل‌زدگان نهاوند در زمستان ۱۳۱۷ که در اثر اقدامات جمعیت مبلغ ۵۰۰۰۶۸ ریال برای مصرف سیل‌زدگان استفاده شد؛

– با وقوع زلزلهٔ دی ۱۳۱۸ در ترکیه، از طرف جمعیت مبلغ ۱۴۴۰۸۴ریال به آسیب‌دیدگان ترکیه مساعدت شد؛

– در سال ۱۳۱۸ برای مبارزه با مرض وبا در زابل که از خارج به کشور سرایت کرده بود، جمعیت معادل ۷۸۵۰۰ ریال دارو و لوازم تلقیح خریداری و به ادارهٔ کل بهداری برای ارسال به نقاط مورد ابتلا فرستاد؛

– کمک مالی به درماندگان و اشخاص بی‌بضاعت برای کمک و هزینهٔ سفر (برای بازگشت) به محل خود که در مجموع از این بابت مبلغ ۱۲۵۶۹ریال هزینه گردید؛

– در سال ۱۳۰۸ مبالغی در بانک مسکو به عنوان اعانه برای زلزله‌زدگان آذربایجان جمع‌آوری شد و چون به موجب قانون انتقال وجوه مزبور به ایران مقدور نبود جمعیت تصمیم گرفت تا با آن پول، مقداری دارو و یک دستگاه کامل رادیولوژی و فیزیوتراپی خریداری کند.

– ساخت تیمارگاه در جنوب شهر که با تصویب‌نامهٔ هیأت وزیران و اعتبار ۱۲۰۰۰۰ ریال ساختمان آن راه‌اندازی شد؛

– با مساعدت وزارت کشور در شهرستان‌های فاقد جمعیت، جمعیت شیر و خورشید تشکیل شد و نیز بیمارستان‌های بزرگی در تبریز، رضائیه، مراغه، ماکو، آستارا، مهاباد و خوی ایجاد گردید.

**وقفیات جمعیت در آن دوران**

کمک به بیماران و تأمین مصارف بیمارستان هلال‌احمر شهرستان ساری از درآمد موقوفات زراعی (۴ سند)، چهارده باب مغازه، یک تیمچه، مریضخانهٔ عظیما در شاهرود، مریضخانهٔ صومعه‌سرا خلاصهٔ هشت سند اول است که در سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۲۰ تنظیم شدند که شرح کامل آن در کتاب میراث ماندگار ذکر گردیده است.



[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]

## References


1. Malekzadeh E, (2006), *The history of Lion and Red Sun*, Iran Helal institute of Applied Science & Technology, Research Projects,
2. Shamspour N, (2014), *A century of rescue & relief in Iran*. Approved by Iran Helal Institute of Applied Science & Technology (unpublished)
3. Fayazi Emadodin, (2009), *The history of Lion & Sun in the age of Reza Khan based on documents*, scientific research journal of History, Vol 4, No.12




[ Downloaded from jorar.ir on 2026-11-09 ]